



اعترافات پر تکرار مقامات امنیت سایبری اسرائیل به ضربات متحمل شده از ایران

مدار باز دوربین های امنیتی

00:00:00



علی مزروعی
نخستین گروه سیاست

حملات سنگین سایبری به زیرساخت های خدمات رسانی، با هدف قتل کردن سیستم ها ایجاد نارضایتی عمومی، بخشی از استراتژی «جنگ پنهان» آمریکا و متحدانش علیه ایران بود. یکی از نمونه های آشکار این اقدامات، حمله سایبری به سامانه کارت سوخت در آبان ۱۴۰۰ بود که افکار عمومی به طور مستقیم با آثار آن مواجه شد. این حمله، در کنار حملات پیشین به تأسیسات هسته ای نشان می داد هر شکل از جنگ، سایبری یکی از مؤلفه های اصلی میدان نبرد است. ایران البته سال ها پیش از این حوادث، سر مایه گذاری قابل توجهی در ارتقای دانش و توان سایبری خود و تعریف نقش آن در هر نوع مواجهه انجام داده بود. این توانمندی ها در سکوت توسعه یافت؛ اما اکنون و پس از جنگ ۱۲ روزه دشمنان ایران به صراحت به جایگاه و تأثیر قدرت سایبری ایران اذعان می کنند. اعترافات مکرر این روز های مقامات رژیم صهیونیستی به ضربات سایبری وارد شده به بسترهای تصویربرداری این رژیم که دامنه اش حتی به جلسات مدیران شرکت های دفاعی نیز رسیده، اثبات می کند ایران در نبرد سایبری موفقیت های چشمگیری داشته است؛ موفقیت هایی که اوج آن در روز های پایانی جنگ ۱۲ روزه مشهود بود: روز هایی که تکشلیک های موشکی ایران با قدرت تخریب بالا به سرزمین های اشغالی اصابت می کرد و سامانه های پدافندی رژیم صهیونیستی کاری جز نظاره کردن این برخورد ها از دستشان بر نمی آمد. ضربه پذیری رژیم باعث شد چند روز بعد از جنگ ۱۲ روزه وزیر کشور آلمان به سرزمین های اشغالی سفر کند و بر لزوم تشکیل یک سامانه گنبد سایبری در کنار سامانه های پدافندی موشکی تأکید کند. توانمندی ایران طرف مقابل را بر آن داشته تا سریع توسعه توانایی خود در حوزه سایبر برود. این رویکرد زنگ هشدار ی نیز برای این است تا به سطح فعلی این مؤلفه قدرت خود اتکا نکند و افزایش توانمندی های این حوزه را در کنار سایر اهرم های دفاعی پیگیری کند.

اعتراف به قدرت حملات سایبری ایران

سمنشیه رئیس فرماندهی سایبری ارتش اسرائیل پس از پایان دهمین تمرین مشترک سالانه جنگ سایبری اسرائیل و آمریکا فاش کرد که تهدید های سایبری پیش روی تل آویو و واشنگتن بسیار بزرگتر از آن چیزی است که تاکنون اعلام شده است. آوید داگان با اشاره به این موضوع گفت: «دوره اخیر ده ها حمله رخ داده که می توانست خسارت های مستقیم و واقعی به زیرساخت های

حیاتی ما وارد کند». او با هشدار نسبت به اینکه فرض اساسی اسرائیل باید این باشد که حملات سایبری آینده گسترده تر و ویرانگر تر از آن چیزی خواهند بود که تاکنون تجربه شده است، تأکید کرد که «دفاع سایبری اکنون جدایی ناپذیر از امنیت ملی است». داگان با این توصیف که پشت هر درگیری ظاهری یک درگیری پنهان وجود دارد، تأکید کرد: «این فقط شدت بیشتری پیدا می کند.»

یک کلیک تا فروپاشی

یوسی کاردی، مدیرکل جدید اداره سایبری اسرائیل (NICD) در نخستین سخنرانی عمومی خود که ۹ دسامبر سال جاری میلادی در دانشگاه تل آویو برگزار شد، اعتراف کرد در طول جنگ ۱۲ روزه «۱۲۰۰ عملیات سایبری رخ داده که هر کدام هزاران اسرائیلی را هدف قرار می داد». رئیس INCID فاش کرد که «در این بازه زمانی، تهران به سیستم های پارکینگ و دوربین های جاده ای نفوذ کرده بود تا حرکات خودرو های VIP مقامات اسرائیلی را ردیابی کند». مطابق آنچه جروزاله پست از صحت های کاری منتشر کرد این مقام اسرائیلی ادعا دارد که «وقتی ایران با موشک بالستیک به مؤسسه علمی وایزن در درخوت ضربه زد، ابتدا کنترل یک دوربین خیابانی رو به ساختمان را درست قبل از اصابت موشک به دست گرفته بود.» در حالی که کارکنان موساد در روز های جنگ تلاش داشتند طی تماس با مقامات ایرانی به بدنه اجرایی و دفاعی کشور ترس تزریق کرده و روند اداره امور را مختل کنند این تهدید در مورد آن ها با مثال های عینی تری پیدم سازی شده است. کاردی توضیح داد برای افزایش تأثیر روانی حمله موشکی، ایران لیل از حملات ایمیل های تهدید آمیز به کارکنان بخش های هدف ارسال کرده است. تهران همچنین «داده های نشست شده را منتشر کرد تا ترس را عمیق تر کند». جمع بندی این مقام اسرائیلی از همه این اعترافات یک جمله بود: «ما ممکن است با یک کلیک فروپاشیم.»

آلبانی؛ درس عبرت به اسرائیل

مدیر جدید اداره سایبری اسرائیل همچنین گفته که «یک دولت می تواند منحصر از طریق فضای سایبری مورد حمله قرار گیرد که بالقوه سیستم های حیاتی را فلج کند». او این موقعیت را محاصره دیجیتال نام نهاده و این گونه معنی می کند: «ایستگاه های برق خاموش شوند، ارتباطات قطع شود، حمل و نقل شود منابع آب آلوده شوند.» آنچه کاردی در مورد فروپاشی زیرساخت ها توضیح داده پیش از این مثال هایی نیز در جهان داشته است. سال ۲۰۰۷ استونی شاهد یک حمله سایبری بود که از آن به عنوان اولین حمله سایبری به یک کشور یاد می شود. در این حمله ۵۸ وبسایت

کشور استونی از جمله وبسایت های دولتی، بانک ها و رسانه ها آفلاین شدند. آلبانی نیز چند سال قبل، هدف یکی از سنگین ترین حملات سایبری جهان قرار گرفت. آلبانی در برابر درخواست های ایران برای مقابله با حملات سایبری گروهک تروریستی منافقین، هیچ اقدامی نمی کرد تا اینکه در جریان یک حمله سایبری، به طور موقت تمام سیستم ها از جمله سامانه جامع مدیریت اطلاعات که ورود و خروج در گذرگاه مرزی را ثبت می کرد، تعطیل و در پی آن صف های طولانی در دو گذرگاه مرزی این کشور تشکیل شد. این حمله باعث شد نزدیک به یک سال بخشی از شبکه خدمات رسانی آلبانی نتواند به چرخه خدمات رسانی بازگردد. پس از آن بود که پلیس آلبانی به دفتر منافقین در پادگان تیرانا پورش برد و کامپیوتر های عملیات های سایبری این گروه تروریستی را جمع آوری کرد.

گنبد سایبری

مطابق آنچه روزنامه اسرائیلی جروزاله پست منتشر کرد فریدرک داتز، مدیر ملی سایبری و امنیت اطلاعات در وزارت کشور آلمان اعلام کرد: «به زودی یک واسطه ویژه اسرائیلی برای مسائل سایبری در آلمان مستقر خواهد شد تا گفت وگویی سر سر توسعه نسل بعدی دفاع سایبری افزایش یابد.» پیش از این در ۸ تیر ماه یعنی تنها پنج روز پس از تحمیل آتش پس به رژیم صهیونیستی الکساندر دوریندت، وزیر کشور آلمان گفته بود این کشور قصد دارد یک مرکز تحقیقات سایبری مشترک آلمان- اسرائیل ایجاد کند و همکاری بین سازمان های اطلاعاتی و امنیتی دو طرف را تعمیق بخشد. دوریندت طی سفر به سرزمین های اشغالی طرحی پنج ماده ای را با هدف ایجاد آنچه «گنبد سایبری» نام نهاده بود، شرح کرده گفت: «دفاع نظامی به تنهایی برای امنیت کافی نیست.» پیش از این صدراعظم آلمان ضمن حمایت از حملات هوایی اسرائیل به ایران اعتراف کرده بود که رژیم صهیونیستی «کارهای کیف» را به نایب از کشور های غربی انجام می دهد. وزیر کشور آلمان نیز هم راستا با این دیدگاه ایران را در کنار چین، روسیه و کره شمالی تهدید سایبری توصیف کرده و همکاری عملیاتی با اسرائیل برای موفقیت در این نبرد سایبری را ضروری دانسته است.

اذعان به هک دوربین ها اعتراف جدیدی نیست

آنچه رئیس اداره سایبری در مورد اسباب های این رژیم تحت حملات سایبری ایران گفته پیش تر هم مورد اذعان مقامات اسرائیل قرار گرفته بود. ۱۳ ژوئن یعنی یک روز قبل از توقف آتش در جنگ ۱۲ روزه تشریه امنیت سایبری رکورد اعترافات مقامات امنیتی اسرائیلی در مورد هک دوربین های

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی را منتشر کرده بود: «مقامات اسرائیلی می گویند ایران از دوربین های امنیتی برای هدایت حملات موشکی بهره برداری می کند.» مطابق این گزارش مقامات اسرائیلی از شهروندان خود خواسته بودند دوربین های امنیتی متصل به اینترنت را قطع کنند و هشدار داده بودند که «ایران ممکن است از آن ها برای جمع آوری اطلاعات واقعی زمان و تنظیم هدف گیری موشکی استفاده کند.» همچنین بلومبرگ به نقل از یک سخنگوی اداره سایبری اسرائیل تأیید کرده بود که دوربین های مدار بسته به طور فزاینده ای هدف عملیات سایبری ایران قرار گرفته اند، به همین دلیل اسرائیل اوایل ماه ژوئن میلادی یعنی چند روز قبل از آغاز تقابل نظامی با ایران استفاده مقامات دولتی از هر دستگاه متصل به اینترنت عمومی یا شبکه های مخابراتی را به دلیل ترس از هک و جاسوسی ممنوع کرد.

صوت و تصویر جلسات شرکت های دفاعی در اختیار هکرها

در روز های نخست حمله نظامی به ایران رقابت فرانکو مقام سابق سایبری اسرائیل در مصاحبه ای رادیویی گفت بود که عوامل ایرانی تلاش کرده اند به سیستم های نظارتی خصوصی دسترسی پیدا کنند تا تأثیر حملات خود را از رزایی کنند. آنچه این مقام سایبری اسرائیل به آن اعتراف کرده بود را ماه گذشته گروه سایبری موسوم به «طوفان» این گونه تشریح کرده است که توانسته به دوربین های امنیتی شرکت مایا اینجنیرینگ، پیمانکار نظامی اسرائیلی نفوذ کند. طبق گزارش نشریه سایبر اکسپرس گروه هکری طوفان همچنین فیلم هایی از جلسات داخلی و کارهای مهندسی روی مدت ۱٫۵ سال، امکان دسترسی به پایگانی این پیمانکار نظامی را فراهم کرده سپس توانسته به تلفن ها، پرینتر ها و دوربین های شرکت های دفاعی همکار مایا یعنی البیت و افغانل نیز دسترسی پیدا کنند. این گروه دسترسی به دوربین ها این شرکت را صرفاً شروع ماجرا عنوان کرده است: «ما بیش از یک سال جلسات شما را با صدا و تصویر ضبط کردیم. این فقط آغازی با شرکت مایا است» گروه سایبری طوفان همچنین فیلم هایی از جلسات داخلی و کارهای مهندسی روی پهپادها، تانک ها، موشک ها و سایر سیستم های دفاعی را افشا کرده است. پس از افشای این شکست اطلاعاتی کوین گاروی، مربی و مشاور مؤسسه امنیت سایبری SANS نسبت به این ادعا ها ابراز نگرانی شدید کرده و طی پستی در شبکه ایکس نوشته است: «این نشان می دهد هر دارایی نیاز به امنیت سخت گیرانه دارد» او همچنین خواستار این موضوع شده که دوربین ها و سایر تجهیزات جانبی با هدف جلوگیری از آسیب پذیری تحت برنامه های استاندارد پیکر بندی امنیتی و عملیاتی قرار گیرند.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

امنیتی و عملیاتی قرار نگرفت.

دست لایه چپ کار بیفتد و نهایتاً همان اتفاق به نفع رژیم صهیونیستی ادامه پیدا کند. البته باید به این موضوع توجه داشته باشیم که در مجموع ضعیف شدن این لایه ها به این معنی نیست که از دستگاه قدرت آمریکا، حذف خواهند شد. هر چقدر ضعیف شوند، به حیات خودشان ادامه خواهند داد و در جاهایی مؤثر خواهند بود؛ ولی تأثیرشان کم رنگ تر می شود و اثرگذاری ر مطلقشان به اثرگذاری نسبی در برخی حوزه ها تبدیل می شود و این گونه نخواهد بود که در همه موضوعات اثر بگذارند.

نکته ای که ترامپ به آن اشاره می کند به ایسن معنا که برخی اعضای کنگره، ضدیهودند، می تواند معنای دیگری داشته باشد؟ به این معنا که این اظهارات برای تزریق بیشتر پول از جانب لایه های صهیونیستی طرح می شود. چقدر می توان این گزاره را درست دانست؟

بعید می دانم که فضای ترامپ، فضای هدایت لایه ها باشد، آن هم در فضای عمومی. احتمالاً نگاه ترامپ این است که این تضعیف را انکار کند، به این معنی که بگوید اتفاق خاصی رخ نداده است. بعید می دانم که ترامپ بخواند راهبردی به لایه ها بدهد که در این فضا بیشتر پول تزریق کنند. ممکن است بخواند هشدار ی بدهد، کمالاتیکه در ادبیات عمومی می بینم که به اسرائیل و تانیاهو می گوید که نگاه های منفی را به خود جذب کردید این از این باب است که هشدار ی بدهد؛ اما در فضای لایه ی بیشتر با انکار طریف تا هشدار.

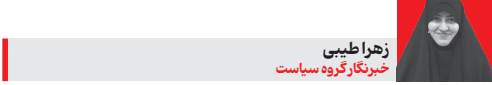
بیان این مسئله به نوعی نشان می دهد که نگرانی در ترامپ وجود دارد، افراد ضد اسرائیل کنگره را نام می برد و از تضعیف این لایه ها صحبت می کند.

نگرانی ترامپ از این باب است که آن ها به ادبیات اصل آمریکایی از زبان ترامپ، قائل نیستند و اسم بردن نیز برای آن است که معتقد است اگر از کسی حمایت کند، حفظ و اگر با کسی مخالفت کند، حذف می شود. همان کاری که در سطح مختلف انجام می دهد. مثل آنکه معتقد است اینکه گفته مارچوری گرین، شخص ضعیفی است، دیگر نماینده مجلس در بعدی نخواهد شد. در حالی که خود او استعفا داد؛ اما ترامپ قائل به این است که اگر حمایت را از او بردارم، حذف می شود. نام بردن ها به این معنی است که به قول خود، هرس کند و این افراد را از ساختار سیاسی آمریکا، حذف و این ها را یک دست کند. نگاه ترامپ این است که درست است این افراد بالا آمدند، ولی قابل اصلاح است و مردم آمریکا این ها را کنار می گذارند و من به مردم کم می دهم که این ها را حذف کنند.

مخالف رژیم صهیونیستی بود، از تانیاهو اسم برده بود و برخلاف رویه سیاسی در ایالات متحده از نسل کشی در غزه اسم برد که تابویی در ساختار سیاسی آمریکاست. البته لایه های صهیونیستی تلاش زیادی کردند که از شکست بخورد، مخالفان او را متحد کردند. حتی ترامپ به نوعی با حزب دموکرات متحد شدند و پشت سر یک کاندیدای دموکرات ایستاد که آقای مددانی شکست بخورد. ولی موفق نشد. مددانی از هیچ لایه کمک نگرفت و با پول های مردم، در انتخابات شرکت کرده بود. الان نیز مرتباً می بینیم که ادبیاتی از این دست توسط جریان های مختلف باز تولید می شود. اینکه خانم مارچوری گرین... از حامیان سفت و سخت ترامپ... برای آنکه ترامپ را نقد کند، عکسی را در ایکس منتشر می کند که نشان دهد هیچ پولی از لایه صهیونیست نگرفته است؛ ولی ترامپ مبلغی گرفته است. این مصادیق نشان دهنده آن است که جریان های چپ در ایالات متحده در حال قدرت گرفتن هستند، جریان هایی که سعی می کنند، وابستگی خودشان به رژیم صهیونیستی را با انکار کنند یا از جریان های حامی اسرائیل فاصله بگیرند در واقع هم می توانند قدرت بیشتری بگیرند و حمایت های بیشتری، جلب کنند. علت آن هم ساده است: تأثیر ۷ اکتبر روی مردم بسیار زیاد بوده و به صورت زنده، نسل کشی رژیم صهیونیستی را مشاهده کردند و دیدند که دولت پان یاسن چه بایدن، چه ترامپ و چه دموکرات و جمهوری خواه، از این نسل کشی و از رژیم ی حمایت می کنند که این نسل کشی را انجام می دهد و پول مردم آمریکا را به آن ها می دهند. مقصر این موضوع را تأثیر لایه های صهیونیست می دانند که جریان تزریق این پول ها هیچ زمان قطع نشده و هر دولتی که در آمریکا سر کار می آید این حمایت را ادامه می دهد، برخلاف آنکه ادبیات ترامپ هم این بود که جنگ را تمام خواهد کرد، در حال این حمایت ادامه پیدا کرد و به جای آنکه این پول ها هزینه مردم آمریکا شود... هزینه کشتار های رژیم صهیونیستی می شود. این باعث شد که نگاه مردم می تغییر پیدا کند. در واقع کاندیداهایی که در سطح مختلف انتخاباتی به دنیا رای آوری بودند از فضای مردمی استفاده کردند و روی ادبیات سیاسی ایالات متحده اثر گذاشتند.

پس در واقع، نگاه منفی افکار عمومی نسبت به اسرائیل، منجر به ایجاد تغییر و تحولی در ساختار سیاسی آمریکا شده این ساختار سیاسی در آمریکا تا آنجا متحول خواهد شد که لایه اسرائیلی، ضعیف شود یا این فرایند لزوماً ادامه پیدا نخواهد کرد؟

ابتدا به این نکته اشاره کنیم؛ اینکه گفته می شود جریان چپ تقویت شده است لزوماً



زهرا طیبی
نخستین گروه سیاست

ششورش چپ ها علیه لایه های صهیونیست در آمریکا، بالاخره صدای ترامپ را درآورد. رئیس جمهور آمریکا، روز سه شنبه در مراسم خونکای پهودی در کاخ سفید، از ضعیف شدن لایه های صهیونیستی در کنگره ابراز نگرانی کرد تا آنجا که کنگره را به بهبود ستنیزی محکوم کرد و گفت: «باید خیلی مراقب باشید. شما کنگره ای دارید که در حال بهبود ستنیزی است. افراد زیادی در کنگره هستند که اسرائیل را دوست ندارند.» این اشاره ضمنی نوک کوه یخ اتفاقاتی است که ساخت سیاسی آمریکا در حال وقوع است. ساخت سیاسی در آمریکا و بالطبع تضعیف لایه صهیونیستی از ۷ اکتبر و با شروع نسل کشی اسرائیل، دست خوش تغییر شد. افشاکری چپ هایی مثل سندرز و حتی راست گرایانی مثل مارچوری گرین، هم زمان با واکنش منفی افکار عمومی به حمایت ایالات متحده از اسرائیل موجب شد که افکار عمومی غرب اقبال بیشتری به چپ ها نشان دهند، شهردار شدن مددانی، نمودی روشن از قدرت گرفتن چپ ها در آمریکاست. سؤال اساسی این است که آیا لایه های اسرائیلی و در رأس آن ها، آیکپ این روند نزولی از دست دادن قدرت را ادامه خواهند داد و یا صرفاً چرخش قدرت در لایه های اسرائیلی اتفاق خواهد افتاد. آنچه بر ادبیات سیاسی ایالات متحده حاکم است، نشان می دهد ساخت سیاسی در آمریکا دست خوش تغییراتی شده است؛ اما طبعاً رقم خوردن این مسئله به چند مؤلفه وابسته است. سؤال اساسی آن است که آیا قدرت لایه های اسرائیلی ضعیف تر از این خواهد شد؟ لایه ها می توانند قدرت تضعیف شده خود را برگردانند؟ برای بررسی علل تضعیف لایه ها و تصویر ساخت سیاسی در آمریکا با محمدعلی شفیعی، کارشناس مسائل آمریکا گفت وگو کردیم که در ادامه مشروح آن را از نظر می گذرانید.

■ ■ ■

آیا واقعاً لایه های اسرائیلی در آمریکا در حال ضعیف شدن هستند، نمود های آن چیست؟

بعد از ۷ اکتبر، هرچه پیش رفتیم قدرت لایه های صهیونیستی کاهش پیدا کرد. ابتدا باید این را مدنظر داشته باشیم که این به معنای آن نیست که این لایه ها تأثیرگذار نیستند و نمی توانند تغییری در آمریکا ایجاد کنند بلکه تأثیرگذاری شان به نسبت قبل کاهش پیدا کرده است.

نمود آشکار این موضوع انتخاب مددانی به عنوان شهردار نیویورک بود که صریحاً